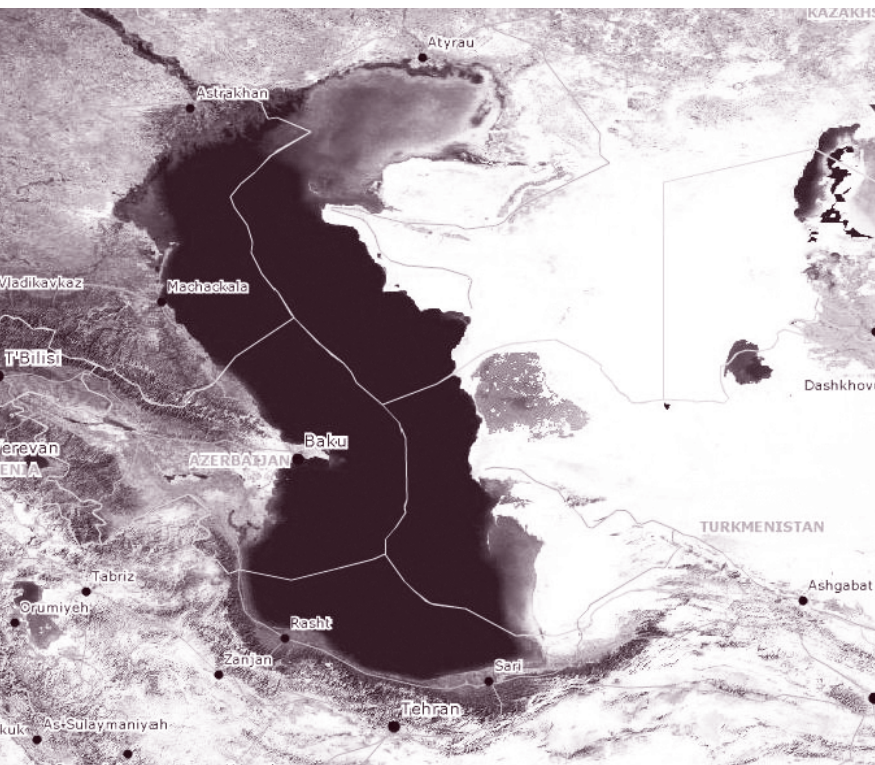


# آخرین وضعیت بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خزر

کاوه اسمعیلی \*



## فدراسیون روسیه

در حال حاضر، فدراسیون روسیه یکی از بازیگران اصلی در منطقه دریای خزر است و برای سیاست خارجی روسیه، دریای خزر دارای اولویت خاصی است. فدراسیون روسیه در حال تقویت مواضع خود در دریای خزر به منظور جلوگیری از سلطه و دخالت کشورهای ثالث، که باعث آسیب‌رسانی به خود می‌شوند هست. به این ترتیب، سیاست روسیه در موضوع نفت و گاز، متمرکز در حل سه موضوع زیر است:

۱- حفاظت از موقعیت روسیه در دریای خزر

۲- حفظ ثبات در دریای خزر

۳- توسعه همکاری در موضوع‌های مختلف با کشورهای منطقه دریای خزر بنا به گفته نخست‌وزیر روسیه - ولادیمیر پوتین - روسیه برای به حداکثر رساندن درآمد حاصل از صادرات دریای خزر از طریق حذف موقعیت ممتاز تک‌تک کشورهای خریدار نفت و گاز (عمدتاً کشورهای تازه استقلال یافته جماهیر شوروی)، متمرکز می‌باشد. در این شرایط که منطقه دریای خزر به یک نقطه مهم ژئوپلیتیک جهان تبدیل شده است، انتخاب استراتژی مناسب توسط روسیه در این منطقه برای حفظ امنیت اقتصادی و نظامی دارای اهمیت بسیاری است. در این خصوص می‌توان گفت، تلاش‌های فعلی سیاست خارجی روسیه برای کسب یک موقعیت مناسب در این منطقه کافی نیست.

هم اکنون، جهات تلاش‌های روسیه در این خصوص به شرح زیر است:

- تلاش برای افزایش کنترل حجم صادرات هیدروکربنی از دریای خزر

- بدست آوردن حق انحصاری برای شرکت نفتی «گازپروم» در صادرات به آسیای میانه - توسعه مشارکت خود در پروژه‌های استخراج و بهره‌برداری نفت و گاز در دریای خزر، به طور عمده در بخش قزاقستان در دریای خزر

لازم به ذکر است که نقص کلی این استراتژی این است که نمی‌توان دور نمای مناسبی برای آن متصور شد. فدراسیون روسیه از گسترش و نفوذ اقتصادی، نظامی و سیاسی غرب در این منطقه جلوگیری نمی‌کند و این مسئله منجر به تضعیف تعادل زیست-محیطی دریای خزر و افزایش آلودگی منطقه و مشکلات مربوط به آن می‌شود.

## جمهوری آذربایجان

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آذربایجان تازه استقلال یافته در یک نوع مثلث ژئوپلیتیک بین کشورهای ایران، ترکیه و روسیه قرار گرفت.

در اوایل دهه نود، مقامات آذربایجان، با انتخاب استراتژی سیاست خارجی و همکاری خود با یکی از این سه کشور، روبه‌رو شدند. در نهایت، آذربایجان با انتخاب ترکیه طرفداری خود را نسبت به استراتژی توسعه غرب نشان داد. در واقع ترکیه در این مسئله به عنوان پل ارتباطی بین آذربایجان و ایالات متحده آمریکا ایفای نقش می‌کند. تا به امروز، در میان

در دنیای امروز زندگی، بشریت تا حد زیادی وابسته به نفت است. نفت به عنوان یک محصول، ارتباط مستقیم با استراتژی ملی، توسعه اقتصادی و سیاسی هر کشور دارد. در حال حاضر، دریای خزر و کشورهای پیرامون آن، توجه بسیاری از کشورها را به خاطر ذخایر غنی هیدروکربنی خود جلب کرده است. منطقه دریای خزر، در واقع تبدیل به یک میدان رویارویی و رقابت چند جانبه بین دولت‌ها و قدرت‌های جهان که سعی بر تسلط به این منطقه استراتژیکی مهم جهان دارند شده است. منطقه بهره‌برداری نفتی و گازی خزر شامل دریای خزر و کشورهای منطقه دریایی خزر، از جمله آذربایجان، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و فدراسیون روسیه است که به اجمال مروری به فعالیت‌های انجام شده توسط این کشورها با استفاده از منابع به زبان روسی خواهیم داشت.

ذخایر کشف شده نفت در منطقه دریای خزر در حدود ۵/۱ میلیارد تن و گاز در حدود ۸۰۰۰ میلیارد متر مکعب است. در حال حاضر در منطقه دریای خزر سه بهره‌بردار نفت اصلی مشغول به کار هستند. این کشورها به ترتیب ذخایر و حجم بهره‌برداری عبارتند از قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان که در این میان ترکمنستان بیشتر در بخش بهره‌برداری گاز متمرکز شده است. با در نظر گرفتن استراتژی و سیاست کشورهای منطقه دریای خزر، در حال حاضر همه آنها علاقه به هماهنگی و در یک خط بودن با استراتژی اروپایی - آمریکایی هستند و قصد ایجاد خط انتقال منابع هیدروکربنی دریای خزر به غرب دارند و آنها را به عنوان اصلی‌ترین خریداران این منابع می‌دانند. با توجه به این موضوع، می‌توان استراتژی و علاقه‌های این کشورها را به چند دسته تقسیم کرد:

کشورهای این منطقه می‌کوشند برای حل مشکلات داخلی خود به کمک صادرات منابع هیدروکربوری دریای خزر به بازارهای جهانی راه یابند. کشورهای در منطقه ترانزیتی این حمل و نقل‌ها، از جمله فدراسیون روسیه، ایران، ترکیه، چین، گرجستان، ارمنستان، اوکراین، رومانی، بلغارستان و ... در تلاش برای به‌دست آوردن منافع خود از این موقعیت یعنی انتقال این منابع از کشور خود هستند. پنج کشور منطقه دریای خزر به دنبال تقویت موقعیت استراتژی خود در منطقه هستند. قدرت‌ها و بازیگران اصلی بازار جهانی نفت و گاز، از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین، دریای خزر را به عنوان یکی از مهمترین عوامل ژئوپلیتیک برای کنترل مناطق مهم استراتژیک جهان می‌دانند.

\* دانشجوی دوره دکترا، دانشگاه نفت و گاز گوبکین مسکو

۲۶

سال چهارم، شماره ۳۳ و ۴۴، آذر ماه ۸۹

در سال ۲۰۱۰، ۴۲۱۰۰۰۰ تن در بلوک ACG و رساندن تولید روزانه را ۸۵۴۰۰۰ بشکه در روز را دارد.

از سوی دیگر، همچنین در میدان گاز «شاه‌دینز» برنامه برای تولید ۷/۶ میلیارد متر مکعب گاز و ۲/۰۱ میلیون تن میعانات گاز را دارند. در این مورد بی‌بی با خرید ۵۰۶۲۲ درصد سهام از شرکت آمریکایی (Devon energy) سهم خود را در این پروژه افزایش داده است. در نیمه دوم ماه آگوست سال جاری میلادی شرکت (بی‌بی) وام بلند مدت ۵ سال به میزان ۵ میلیارد دلار از بانک‌های Royal Bank Of Scotland، SOCIETE، BNGPARILOS و Standard دریافت نموده است. به این ترتیب بی‌بی در پروژه ACG حدود ۱/۲ میلیارد سرمایه‌گذاری خواهد کرد. به احتمال زیاد، آذربایجان به کمک سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی، با وجود کاهش تولید نفت گاز خود، که در بالا ذکر شد می‌تواند در طول ماه‌های ژانویه - جولای سال آینده حجم صادرات خود را افزایش دهد. در این صورت صادراتی در حدود ۱۸۰۸۱۵۲۷ تن نفت خام به مبلغ ۱۰۳۱۸۰۰۰ دلار انجام خواهد گرفت که سهم نفت خام از حجم کل صادرات این کشور معادل ۸۵/۹۳ می‌باشد.

از اقدامات دیگری که در توسعه بخش آذربایجان دریای خزر امکان دارد صورت گیرد به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

حفاری و راه‌اندازی چاه‌های شماره (۵۰۶۶ و ۷۰) در میدان Guneshli و با توجه به پیش‌بینی کارشناسان بعد از بهره‌برداری هر یک از این چاه‌ها تقریباً در حدود ۴۰ تن نفت و ۲۵۰ هزار متر مکعب گاز در روز به دست می‌آورد.

بهره‌برداری از میدان نفتی «PIRALLAFI» دو حلقه چاه جدیدی به عمق‌های ۶۷۰ و ۷۰۰ متر و با برداشت روزانه ۴ تن نفت از آنها.

بهره‌برداری از میدان نفتی «JATERKY» چاه حلقه شماره (۳۹) به عمق ۳۹۹۰ متر و با برداشت روزانه ۱۱ تن از این حلقه.

حفاری و راه‌اندازی حلقه J-۰۱ در منطقه قراردادی ACG توسط شرکت عملیاتی بین‌المللی آذربایجان «Azerbaijan International Operating Company» (AIOC) شروع شد. علاوه بر این، تا پایان سال جاری AIOC قصد حفاری حلقه چاه‌های زاویه‌دار در منطقه CHIRAY به نام A-۰۷ را دارد.

کنسرسیوم شرکت‌های خارجی به مدیریت (بی‌بی) نتایج حاصل از فعالیت‌های شرکت‌ها این گروه را در مورد توسعه ACG را به صورت زیر اعلام کرد.

در میدان VOSTOCHNY Azeri (آذر شرقی) چاه‌های تولیدی D1۸ و D1۹ - حفاری و تکمیل خواهد شد.

در میدان ZAPANDNY Azeri (آذر غربی) حفاری چاه‌های تزریق آب C-۲۳ و حلقه چاه تولیدی C-۲۴ - انجام شد.

لازم به ذکر است که در ۱۴ سپتامبر سال جاری میلادی، نشست با شرکت رئیس جمهور آذربایجان، گرجستان و رومانی به ترتیب الهام علی اف، میخائیل ساکاموویلی و تریانا بایسکو و همچنین با حضور نخست وزیر مجارستان برگزار شد.

این نشست با هدف بررسی و برنامه‌ریزی برای پیاده‌سازی پروژه RI برگزار شد. این پروژه مربوط به انتقال LNG از باکو به گرجستان و سپس از طریق دریای سیاه به بندر رومانی می‌شود. در این جلسه توافقنامه‌های مبنی بر تشکیل شرکت مشترک بین کشورهای مربوط برای تعیین امکان صادرات گاز طبیعی از آذربایجان به اروپا امضاء رسید. همچنین این توافقنامه به امضای وزیر صنعت و انرژی آذربایجان (ناتینگ علی اف)، وزیر انرژی گرجستان (الکساندر ختاگوری) و وزیر اقتصاد رومانی (آدریان) رسید.

در این جلسه، همچنین برای انتقال گاز طبیعی پیشنهاداتی شد که این پیشنهاد قابل توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفت. گاز طبیعی، به دست آمده در آذربایجان از شهر باکو، با خط لوله‌ای به بندر کولوی در گرجستان منتقل می‌شود که توسط آذربایجان این بندر اجاره می‌شود. در این بندر گاز طبیعی عمل آوری می‌شود و به حالت CNG و LNG به وسیله تانکرهای خاص به بندر کستانزا در رومانی منتقل می‌شود. بنا به اولین فاکتورهای اقتصادی، این پروژه احتیاج به ۶-۴ میلیارد یورو سرمایه‌گذاری احتیاج دارد. البته لازم به ذکر است که این امر موضوع جدیدی نیست.

از سوی دیگر، بررسی امکان عبور این خط لوله از بندر اوکراین را جولیا تیماشنکا - نخست وزیر قبلی اوکراین خواستار شد. اما حتی اگر امکان پیاده‌سازی این پروژه بنا به

تمام کشورهای منطقه دریای خزر، آذربایجان ارتباط نزدیکی با آمریکا دارد. عامل نفت، یکی از عواملی است که آذربایجان فعالانه برای برقراری و حفظ رابطه با کشورهای توسعه یافته، از جمله ایالات متحده از آن استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که بنا به تمایلات غرب، جمهوری آذربایجان درصدد انتقال نفت خود بدون دخالت روسیه است.

در سال‌های اخیر، جمهوری آذربایجان با روند جدید توسعه در منطقه دریای خزر مواجه شده است. همکاری روسیه و متحد اصلی آذربایجان - ایالات متحده آمریکا باعث نگرانی روسیه شده است و این امر باعث شده است که باکو به دنبال راه‌های جدید سازش با مسکو باشد.

از سوی دیگر، در رابطه جمهوری آذربایجان با ایران اختلافاتی وجود دارد که می‌توان از اختلاف به سر حوزه‌های نفتی آلف، آراز و شرق را نام برد. در رابطه با منابع نفت و گاز آذربایجان، می‌توان به این موضوع که شرکت دولتی نفت آذربایجان Socar State Oil Company of Azerbaijan Republic در طول ماه‌های ژانویه - جولای سال میلادی، در حدود ۸۳۲۶۰ چاه حفاری کرده است، اشاره کرد.

به طور کلی، این شرکت پروژه‌های مهمی را با شرکت‌های خارجی با هدف تولید بیشتر نفت و گاز در میدان‌های خشک و آبی پیاده‌سازی می‌کند. تا به امروز این شرکت ۲۶ قراردادنامه با ۳۰ شرکت خارجی از ۲۰ کشور جهانی در توسعه مشترک نفت و گاز در آذربایجان به امضاء رسانده است. طرح‌های خط لوله‌ای گاز «AZER-CHIRAY-GOMESH»، «شاه‌دینز، باکو - تفلیس - جیحان» و قفقاز جنوبی دارای اهمیت جهانی هستند.

در حال حاضر، پروژه‌های «AZER-CHIRAY-GOMESH» و شاه‌دینز در بخش دریای خزر جمهوری آذربایجان مورد توجه شرکت‌های بین‌المللی قرار گرفته است. بنا به قرارداد بهره‌برداری کلی از میدان‌ها در سه مرحله در حال پیاده‌سازی هستند. فاز اول - بهره‌برداری از میدان آذری (Azeri) را پوشش می‌دهد. فاز دوم - بخش‌های شرقی و غربی میدان Azeri و فاز سوم - قسمت عمیق «AZER-CHIRAY-GOMESH» از

### کشورهای این منطقه می‌کوشند برای حل مشکلات داخلی

خود به کمک صادرات منابع هیدروکربوری دریای خزر به بازارهای جهانی راه یابند.

طریق خط لوله صادرات اصل آذربایجان «باکو - تفلیس - جیحان» که به حیدر علی اف معروف است، به بازار جهانی انتقال داده خواهد شد. خط لوله به طول ۱۷۷ کیلومتر، از باکو تا بندر جیحان ترکیه، که از رشته کوهی به ارتفاع ۳۰۰۰ متر از دریا و محل عبور رودخانه کشیده شده است، سرعت انتقال ۲ متر/ثانیه است.

در کنار منافع اقتصادی احداث این خط لوله، اهمیت استراتژی برای این منطقه هم به همراه دارد. مخالفان آذربایجان چه در داخل، چه در خارج به راه‌های مختلف در طول احداث مشکلاتی هم به وجود می‌آورند.

با این حال، با وجود موانع، این خط لوله احداث شد و در روز جمهوری آذربایجان در ۲۸ مه سال ۲۰۰۶ میلادی، اولین نفت به بندر جیحان رسید. شرکت Socar در حدود ۷۶/۴۰۶ متر حفاری توسعه‌ای و ۳۸۵۴ متر حفاری اکتشافی را به انجام می‌رساند. این شرکت در این دوره حدود ۵۲۸۶ میلیون تن نفت و ۴۵۱۷ میلیارد متر مکعب گاز تولید کرده است. علاوه بر این به شرکت Socar بیش از ۱۰۹۶۱ میلیارد متر مکعب گاز تولید شده توسط کنسرسیوم (CONSORTION) در فعالیت‌های میدان «AZER-CHIRAY-GOMESH» دریای خزر، واگذار شده است.

با این حال، بر اساس برآوردهای رسمی در طول ماه‌های ژانویه - جولای سال ۲۰۱۰ میلادی Socar تولید نفت را حدود ۱/۵ درصد، گاز ۳ درصد کاهش داده است. بنابر این، ظاهراً سرمایه‌گذاری اصلی در این زمینه در آذربایجان توسط شرکت‌های خارجی تأمین می‌شود. از جمله شرکت انگلیسی (بی‌بی) بنا به اظهارات مقامات، این شرکت

خواسته او وجود داشت. کشورهای سهیم دست به همچنین ریسکی نمی‌زنند. موضوع از این قرار است که ۸۰ درصد گاز صادراتی فدراسیون روسیه از اوکراین می‌گذرد. جمهوری آذربایجان پس از به دست آوردن استقلال بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست خود را برای انتقال منابع انرژی خود به بازار جهانی از چند راه مختلف پایه‌گذاری کرده است. اولین مسیر ترانزیت، خط لوله فدراسیون روسیه بود که از گرجستان و ترکیه می‌گذشت، که تا حدی به آذربایجان امکان پیاده کردن پروژه‌های اقتصادی و داشتن سیاست مستقل را می‌داد. اما از سال ۲۰۰۸ میلادی مشکلاتی بر سر قیمت، کمیسیون ترانزیت و حجم انتقال گاز آذربایجان با ترکیه پیش آمد. به دلیل این مشکلات آذربایجان در این موضوع تجدید نظر کرد و سیاست خود را به سوی ترمنال منطقه‌ای انرژی سوق داد. ترکیه به امید خرید گاز به قیمت پایین از آذربایجان و فروش آن به بازار اروپا با قیمت‌های جهانی بود و قانع به دریافت حق ترانزیت گاز آذربایجان به اروپا نبود.

مذاکرات این دو کشور برای حل این مشکل دو سال به طول انجامید. در سال ۲۰۱۰ توافقنامه‌ای به امضاء رسید به امید اینکه تا مارس سال ۲۰۱۱ میلادی همه اختلاف نظرها حل شود. به این دلیل اختلاف نظر ترکیه آذربایجان، انجام پروژه فاز دوم شاه‌دیز به تأخیر افتاده و آذربایجان ضرر مالی قابل توجهی متوجهش شد. پروژه AGRI مسیر جدید انتقال منابع انرژی آذربایجان است که این کشور می‌تواند با اعتماد بیشتر به شرکت‌کنندگان در این پروژه، به انتقال گازش اطمینان داشته باشد و مشکلاتی که با ترکیه به وجود آمد دیگر تکرار نشود.

## قزاقستان

بر اساس اطلاعات رسمی، قزاقستان همچنان به افزایش تولید صادرات منابع هیدروکربنی مشغول است. در طول ماه‌های ژانویه-جولای سال ۲۰۱۰ میلادی، حجم تولید نفت و LNG به ۳۵۳، ۴۶/۰۴۱ تن رسید که به اندازه ۵/۶ درصد بالاتر از سال قبل است. در این نسبت ۵۹۰۶۱۲ تن نفت و میعانات گاز و در حدود ۷/۶۴۱۹ میلیون متر مکعب گاز توسط شرکت ملی «KAZMUNAYGAS (KMG)» تولید شد. بنا به اظهارات مدیرعامل KMG، کایرگلدی کابولدی، تا سال ۲۰۱۴ میلادی، این شرکت قصد دارد تولید نفت خود را تا ۲۴ میلیون تن افزایش دهد. امروز، قزاقستان با ذخیره عظیم هیدروکربنی، برای انتقال و فروش این منابع انرژی، مجبور به انتخاب چند راه انتقال است. این کشور بسیار نیازمند به کسب سود حاصل از فروش منابع انرژی خود می‌باشد، اما در حال حاضر اکثر راه‌های انتقال مسدود می‌باشند. زمان احداث خطوط انتقال، نقش بسیار مهمی در جهت انتقال ایفا می‌کند. در وضعیت بحرانی اقتصادی امروز، قزاقستان نمی‌تواند به خود اجازه دهد که فرصت همکاری با ایالات متحده را از دست دهد و هم زمان مقامات قزاقستان سعی به محدود کردن وابستگی اقتصادی خود به فدراسیون روسیه دارند.

در صادرات منابع انرژی دریای خزر، فدراسیون روسیه در حالت کلی نقش کشور ترانزیتی را ایفا می‌کند و این مسئله استقلال قزاقستان را محدود می‌کند، روسیه بنا به تمایلات خود به طور مستقل می‌تواند حجم‌های مختلف صادراتی را کنترل کند. در وضعیتی که در بازار جهانی منابع انرژی، قزاقستان رقیبی برای روسیه به شمار می‌آید، اما روسیه دارای این برتری در زمینه جغرافیایی هست. لازم به ذکر است که فدراسیون روسیه و قزاقستان اولین دولت‌های منطقه دریای خزر بودند که مسئله تقسیم دریای خزر را بین خودشان حل کردند. حل موضوع تقسیم بستر و زیر بستر دریای خزر بین این دو کشور باعث ثبات وضعیت و باعث جذب سرمایه‌گذاری می‌شود. تمایلات قزاقستان به پروژه‌های ترکیه و یونان وابستگی این کشور را نسبت به خط لوله روسیه کاهش می‌دهد و امکان مانور بزرگ در صورت به وجود آمدن مشکلات با مسیر ترکیه را می‌دهد. قزاقستان همچنین با این حرکت از موقعیت ضد جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده حمایت می‌کند و در عوض همکاری ایالات متحده آمریکا را برای پروژه یونان به دست می‌آورد. به طور کلی جمهوری قزاقستان باید انتخاب مسیرها را بنا به تمایلات بلندمدت اقتصادی و سیاسی با در نظر گرفتن وضعیت حاکم در قزاقستان انجام دهد.

## ترکمنستان

در طی این مدت، ترکمنستان به طور جدی با موضوع دریای خزر برخورد کرده است و قصد گسترش حضور خود در صحنه بین‌المللی از طریق تعیین کردن موقعیت خود به عنوان یک کشور بی‌طرف، اما در جهت حفظ صلح و دوری از هرگونه مناقشه با کشورهای منطقه دریای خزر حرکت می‌کند. در رابطه با انرژی بنا به دستور رئیس جمهور ترکمنستان، در میدان‌های نفت و گاز دریای خزر، بهره‌برداری باید هر چه سریعتر شروع شود. مقامات ترکمنستان برای تسریع کار در دریای خزر، به همکاری با شرکت‌های خارجی امید بسته است.

لازم به ذکر است که شرکت‌هایی که با ترکمنستان در بخش تولید محصولات نفتی و گازی قرارداد بسته‌اند، دارای مجوز شناسایی میدان‌ها تا ۶ سال را دارند. در صورت کشف میدان‌های هیدروکربنی آنها مجوز تولید برای ۲۵ سال را به دست می‌آورند. در بین شرکت‌های اصلی، برای پیاده‌سازی این پروژه‌ها، شرکت روسی Hera شرکت آلمانی RWE DEA دیده می‌شوند. رئیس جمهور ترکمنستان همچنین خواستار تسریع آماده‌سازی قراردادهای ضمیمه‌ای به قراردادهای در بخش محصولات در منطقه نیت-واگ باشد با شرکت ایتالیایی انی شد. وی همچنین خواستار انتخاب مناسب‌ترین طرح برای توسعه میدان هیدروکربنی دریای خزر، از جمله طرح‌های شرکت‌های CHERRON، TX oil، COROCO Philips، MUBODALA PERELOMPENT CO شد.

لازم به ذکر است که در ارتباط با این موضوع رسانه‌های گروهی بر موضوع بی‌اعتنایی آشکار مقامات ترکمنی به طرح‌های پیشنهادی از طرف شرکت روسی Lukoil متمرکز شدند. این اولین بار نیست که این شرکت به طور مستقیم و غیر مستقیم به عنوان همکاری با شرکت‌های دیگر در اجرای پروژه‌ها سعی به ورود به بخش‌های نفتی ترکمنستان در دریای خزر می‌کند.

با وجود این موضوع نباید این گونه قضاوت کرد که ترکمنستان طرفدار شرکت‌های غربی و مخالف همکاری با شرکت‌های روسی هست. به احتمال زیاد این موضوع را رابطه خاص مقامات ترکمنستان با دیگر شرکت روسی itera تا حدی روشن می‌کند و می‌توان این را فقط یک رقابت بین شرکت‌های Lukoil و itera خواند و در این موضوع itera بهتر توانسته است که موقعیت خود را در پیاده‌سازی پروژه‌ها ترکمنستان اثبات کند.

از سوی دیگر نشست رئیس جمهور ترکمنستان با مدیرعامل شرکت itera هم نشان‌دهنده رابطه خاص عشق‌آباد با این شرکت است. مدیرعامل شرکت itera ایگرماکارو در یک نشست خبری با رئیس جمهور ترکمنستان خبر پیشرفت این را پروژه‌های داد و انعام حجت کرد که شرکت itera به طور کامل به تعهدات خود در راه‌اندازی این پروژه‌ها عمل و با انجام سهم خود در توسعه اجتماعی - اقتصادی و شکوفایی ترکمنستان تلاش خواهد کرد.

به گفته الگ لویکینا (کارشناس انرژی ترکمنستان)، ترکمنستان در سال ۲۰۱۰ میلادی برنامه تولید بیش از ۱۰ میلیون تن را دارد. او همچنین اشاره کرد که ذخایر گاز در بخش ترکمنی دریای خزر در حدود ۶ تریلیارد متر مکعب است و تا سال ۲۰۱۲ تولید گاز به ۱۲ هزار میلیارد متر مکعب در سال خواهد رسید.

کولین همچنین در مصاحبه‌ای با رسانه‌های گروهی، خبر داد که عشق‌آباد استراتژی خود در تنوع صادرات گاز به بازارهای جهانی را در اولویت قرار داده است. در این خصوص صادرات گاز ترکمنستان به هند، پاکستان و بازارهای اروپایی دارای آینده اقتصادی درخشانی است. این اظهارات را می‌توان به عنوان سیگنالی به سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی به حساب آورد. بعید نیست که عشق‌آباد آماده گفتگو در مورد شرکت خود در پروژه نابوکو است.

در رابطه با موضوعی که ترکمنستان به نحوی در تلاش برای صادرات نفتی و گازی خود بدون شرکت روسیه است، در رسانه‌های گروهی خبر منتشر شده، مبنی بر اینکه بر اساس اعلام شرکت بریتیش پترولیوم نفت ترکمنستان در خط لوله باکو-تفلیس-جیحان جریان پیدا کرده است.

شرکت بی‌پی نفت را از ترکمنستان و از طریق دریای خزر به وسیله تانکر به باکو انتقال می‌دهد و این تانکرها تنها ۵ درصد حجم کل نفت را تشکیل می‌دهد، هیچ اظهار نظر رسمی برای تأیید یا رد این پیام از ترکمنستان مشاهده نشده است. پرمیفت در سخنان خود به این موضوع اشاره کرد که به تأخیر انداختن حل موضوع دریای خزر

## تغییر اولویت بندی شرکت‌های بزرگ نفتی

افزایش سوددهی شرکت‌های بزرگ نفتی در سه ماه سوم ۲۰۱۰، سبب شده است تغییر رویکرد تولیدی آنها مورد توجه قرار نگیرد. به گزارش پایگاه خبری آرگوس از لندن، بازده مالی بهتر بخش بالادستی نفت و گاز و توسعه درآمدهای بخش پایین دستی، سبب شده است سوددهی بیشتر شرکت‌های نفتی در سال جاری میلادی افزایش یابد، اما شرکت‌های بزرگ نفتی که با افزایش تولید روبه‌رو بوده‌اند، این موفقیت را مرهون رشد تولید گاز طبیعی بوده‌اند. شرکت‌هایی که وادار به بیرون کشیدن سرمایه خود از بعضی پروژه‌ها شده‌اند، سعی می‌کنند کاهش تولید خود را با افزایش حجم برداشت، جبران کنند و سود به دست بیاورند. تنها شرکتی که سود کمتری نسبت به سال گذشته داشت، شورون بود که در ماه‌های گذشته سال جاری میلادی، با اجرای برنامه‌های خروج سرمایه، ۴۰۰ میلیون دلار سود به دست آورده بود. اکسون موبیل با افزایش ۲۱ درصدی تولید، توانست چهار میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار سود به دست آورد که بزرگترین سوددهی این شرکت از سال ۱۹۹۹ تا کنون بوده است. تصاحب شرکت آمریکایی (اکس. تی.او) از سوی اکسون موبیل و پروژه‌های (ال.ان.جی) این شرکت در قطر، سبب جهش تولید گاز طبیعی اکسون موبیل شد و تولید گاز آن در سه ماه سوم سال جاری میلادی، ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. با خرید ۳۶ میلیارد دلاری (اکس.تی.او)، تولید گاز اکسون موبیل در آمریکا سه برابر شد و این شرکت به بزرگترین تولیدکننده گاز آمریکا تبدیل شد. پروژه‌های (ال.ان.جی) اکسون موبیل در قطر نیز تولید گاز این شرکت در آسیا-اقیانوسیه و خاورمیانه را ۵۳ درصد افزایش داد. تولید شرکت هلندی-انگلیسی شل در سه ماه دوم سال جاری میلادی، با ۵ درصد افزایش، به ۳ میلیارد و ۵۸ میلیون بشکه معادل نفت رسید. افزایش امنیت در نیجریه و پروژه‌های جدید، سبب شد تولید شل در این کشور روزانه ۱۷۵ هزار بشکه معادل نفت افزایش یابد، اما دورنمای تولید این شرکت در دیگر جاهای دنیا یکسان نیست. تعلیق حفاری در خلیج مکزیک در آمریکا، تولید روزانه شل را در این منطقه، ۱۰ هزار بشکه معادل نفت کاهش داد و به ۲۳۰ هزار بشکه معادل نفت رساند. طبق پیش‌بینی شل، سال آینده میلادی، تولید روزانه این شرکت در خلیج مکزیک، با ۴۰ هزار معادل بشکه نفت کاهش، به ۲۲۰ هزار بشکه می‌رسد و ممکن است این تعلیق در تولید سال ۲۰۱۲ میلادی نیز تأثیر داشته باشد.

هنری تأیید کرد هدف گذاری این شرکت برای تولید روزانه ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت در سال ۲۰۱۲، پیش از آن بود که برنامه فروش دارایی‌های این شرکت در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ دو برابر شود و به ۷ تا ۸ میلیارد دلار برسد. علاوه بر این، آغاز پروژه‌های گازی شل در قطر نیز می‌تواند تولید روزانه سال آینده این شرکت را ۳۰۰ هزار بشکه معادل نفت افزایش دهد. هنری گفت، ما هنوز هم به هدف خود برای تولید روزانه ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه معادل نفت، پایبند هستیم. در سه ماه سوم سال جاری میلادی، تولید شرکت فرانسوی توتال ۴ درصد افزایش یافت و به روزانه ۲ میلیون و ۳۴۰ هزار بشکه معادل نفت رسید. بیشتر این رشد تولید، ناشی از افزایش ۱۷ درصدی تولید گاز طبیعی توتال و رسیدن آن به ۵ میلیارد و ۵۳۰ میلیون فوت مکعب در روز است، در حالی که تولید نفت این شرکت، ۴ درصد کاهش داشت و به روزانه یک میلیون و ۳۳۰ هزار بشکه رسید. با آغاز پروژه مشترک دو میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلاری بارنت، تولید گاز غیرمتعارف توتال در آمریکا، ۱۱ برابر شد و به روزانه ۲۰۳ میلیون فوت مکعب رسید. با افزایش تولید پروژه یمن (ال.ان.جی) با ظرفیت سالانه ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تن، تولید گاز توتال در خاورمیانه ۸۴ درصد افزایش یافت و به روزانه یک میلیارد و ۲۱۰ میلیون فوت مکعب رسید.

نه تنها در روند توسعه بهره‌برداری از هیدروکربن‌ها و منابع زیردریایی بلکه در توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در منطقه دریای خزر بازتاب منفی دارد.

## انتقال منابع نفت و گاز خزر

در مورد تولید و صادرات نفت و گاز می‌توان نکات زیر را مطرح کرد: در روابط میان جمهوری آذربایجان و قزاقستان ایجاد سیستم حمل و نقل و انتقال مواد هیدروکربنی با خط لوله خزر، را می‌توان یکی از مهمترین موضوعات به شمار آورد. انتقال نفت دریای خزر از طریق آذربایجان به بازارهای خارجی، با خط لوله نفتی باکو-تفلیس-جیحان هم نیز زیر سؤال است. هدف اصلی از پیاده‌سازی این پروژه، قصد دولت‌های تازه استقلال یافته شوروی پیشین، انتقال هیدروکربن‌های بستر دریای خزر مستقل از فدراسیون روسیه بود.

احداث این پروژه در آوریل سال ۲۰۰۳ میلادی شروع شد و احداث خط لوله نفتی در آذربایجان در ۲۵ مه سال ۲۰۰۵ میلادی در آغاز شد. در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۰۵ میلادی جشن احداث خط لوله در تفلیس گرجستان گرفته شد و سپس این خط لوله تا جیحان ترکیه ادامه پیدا کرد. از آن زمان تا کنون تقریباً ۱۰۲ میلیون بشکه نفتی به وسیله این خط لوله‌ای انتقال داده شده است. نفت تولید شده در میدان‌های آذربایجان برای اطمینان از سوددهی خط لوله‌های کافی نیست. بنابراین برای صاحبان این پروژه و آمریکا، خیلی مهم است که قزاقستان هم به این پروژه بپیوندد.

قزاقستان، در حال حاضر نفت خود را از طریق خط لوله‌ای خزر کنسرسیوم و بندری نوراراسیک در روسیه صادر می‌کند. بنا به اظهارات رئیس جمهور قزاقستان، نورسلطان نظربایف، خط لوله‌ای باکو-تفلیس-جیحان یکی از مهم‌ترین راه‌های مهم انتقال نفت قزاقستان خواهد شد. در سال ۲۰۰۴، قزاقستان در حدود ۶۰ میلیون تن نفت تولید می‌کرد، در سال ۲۰۱۰ این رقم به ۱۰۰ میلیون تن رسیده است. به همین دلیل، قزاقستان علاقه‌مند به شرکت در پروژه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان است.

بنا به اظهارات کارشناسان در آینده نزدیک، ترکمنستان هم از این مسیر برای انتقال هیدروکربن‌ها، استفاده خواهد کرد. پروژه اتصال منطقه کاشاگان قزاقستان به این خط لوله در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ برنامه‌ریزی و طراحی شده است.

با این حال بنا به اظهارات رئیس شرکت ملی «KAZMUNAY GAS (KMG)» کائیر گلدس کابیلدینا، در جلسه ۱۲ آگوست سال جاری، هیئت صندوق ملی رفاه (RUK-KAZYNC) که با شرکت نخست وزیر قزاقستان کریم موسیمف، برگزار شد، زمان ساخت این پروژه به تأخیر افتاد و دلیل این تأخیر، ساخت فاز دوم این پروژه است. توسعه منطقه کاشاگان، پیش‌بینی شده در سال ۲۰۱۹-۲۰۱۸ میلادی در دریای خزر، وابسته به بهره‌برداری از سیستم انتقال نفت با خط لوله در دریای خزر است که عمدتاً از نفت این منطقه استفاده خواهد شد. به احتمال زیاد، تأخیر در راه‌اندازی این پروژه، باعث نگرانی و نارضایتی آذربایجان شده است که بیشتر از کشورهای دیگر علاقه‌مند به انجام این پروژه است. ظاهراً آستانه به هیچ‌وجه تمایل به کم‌رنگ شدن روابط قزاقستان و آذربایجان ندارد و تلاش می‌کند به آذربایجان در این خصوص اطمینان دهد. در این خصوص، در ۱۳ آگوست امسال، سفیر تام‌الاختیار قزاقستان در آذربایجان (سریک پریمیتف) به خبرنگاران اعلام کرد، سیستم انتقال نفت اکثر میدان‌های قزاقستان از طریق آذربایجان به غرب طراحی شده است و در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ به طور کامل اجرا خواهد شد.

البته اخیراً خود آذربایجان هم، فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه صادرات هیدروکربنی به دیگر کشورهای منطقه دریای خزر نشان داده است. از جمله این کشور در طول ماه‌های ژانویه-جولای سال جاری میلادی، در حدود ۶۴۸، ۴۹۴ مترمکعب گاز به روسیه صادر کرد. همچنین ترکیه با اینکه جزء کشورهای منطقه دریای خزر به حساب نمی‌رود، ولی نقش مهمی در صادرات گاز و منابع هیدروکربنی دریای خزر به بازارهای جهانی ایفاء می‌کند.

منابع:

[www.1news.az](http://www.1news.az)

[www.casfactor.com](http://www.casfactor.com)

[www.pravda.info](http://www.pravda.info)